

بررسی تأخیر، تعطیلی و توقیف اجرای حکم

بررسی تأخیر، تعطیلی و توقیف اجرای حکم

در این مطلب به بررسی تأخیر، تعطیلی و توقیف اجرای حکم می پردازیم.



اجرای دستورات و احکامی که توسط دادگاه‌های صلاحیت‌دار صادر می‌گردد، به عنوان یکی از مهمترین مراحل دادرسی محسوب می‌شود و در واقع در این مرحله از دادرسی است که محکوم‌له به صورت عملی به حق خود دست می‌یابد؛ اما در برخی از موارد قانونگذار اجازه می‌دهد که حکم قطعی صادره از دادگاه به دلایلی به تأخیر بیفتد یا متوقف گردد.

تأخیر در لغت به معنی قرار دادن چیزی بعد از جای آن و عقب انداختن آمده است.[۱]

توقیف نیز در لغت نامه های فارسی به معنای باز داشتن و باز داشت کردن ذکر گردیده است[۲] و در اصطلاحات مختلف به صورت مضاف به کلمه یا کلمات دیگر متصل شده و در همه‌ی موارد هم همین معنای لغوی مد نظر قرار می‌گیرد.[۳]

توقیف اجرای حکم در اصطلاح حقوقی به معنای آن است که حکم صادره از دادگاه صلاحیت‌دار پس از شروع شدن اجرای آن، متوقف گردد.[۴]

چنانچه گفتیم، پس از شروع به اجرای حکم علی الاصول امکان توقف عملیات اجرایی وجود ندارد مگر در موارد استثنایی که قانونگذار، تعطیلی، توقف، تأخیر و یا قطع عملیات اجرایی را مجاز شمرده باشد. برای تحقق تأخیر، تعطیلی یا توقیف احکام صادره از دادگاهها باید حداقل یکی از موارد ذیل احراز گردد:

۱- قرار قبول دادخواست و خواهی

در صورتی که محکوم علیه غایب با ادعای عدم اطلاع از حکم صادره اقدام به شکایت در دادگاه صادر کننده حکم نماید نماید، و خواهی محقق شده و با صدور قرار قبول و خواهی در دادگاه، اجرای حکمی که شروع شده، موقتاً متوقف می‌گردد. [۵]

۲- تقاضای نقض رأی فرجام خواسته

در مواردی که قانون معین کرده است، حسب مورد برخی از آرای صادره از دادگاههای بدوی یا تجدید نظر قابلیت فرجام خواهی در دیوان عالی کشور را دارد؛ رسیدگی فرجامی عبارت است از تشخیص انطباق یا عدم انطباق رأی مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی. [۶]

پس از صدور رأی توسط دادگاه و فرجام خواهی محکوم علیه از رأی صادره، اگر دادستان کل کشور تقاضای نقض رأی فرجام خواسته را بکند؛ محکوم علیه می‌تواند با ارائه گواهی لازم به دادگاه اجرا کننده رأی، تقاضای توقف اجرای آن را بنماید. در این صورت اقدامات اجرایی موقتاً تا پایان رسیدگی دیوان عالی کشور متوقف خواهد گردید. [۷]

۳- اعتراض شخص ثالث

در مواردی که در دعوایی حکم یا قراری صادر شده و بر اثر آن به حقوق شخص ثالثی خللی وارد آمده، شخص ثالث حق دارد که نسبت به آن حکم یا قرار اعتراض کند. [۸]

اعتراض ثالث علی الاصول موجب تأخیر اجرای حکم قطعی نمی‌باشد [۹]، اما در مواردی که شخص ثالث نسبت به حکم صادره از دادگاه اعتراض نموده و جبران ضرر و زیان ناشی از حکم ممکن نباشد، دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث به درخواست معترض ثالث پس از گرفتن تأمین مناسب قرار تأخیر اجرای حکم را برای مدت معین صادر می‌نماید. [۱۰]

لازم به ذکر است که «در حال حاضر تأمین می‌تواند، در محکوم به مالی، وجه نقد، ضمانت نامه‌ی بانکی، مال غیر منقول و... باشد. در محکوم به غیر مالی نیز تأمین باید زمینه‌ی اجرای حکم را فراهم نگه دارد.» [۱۱]

به علاوه هر چند قرار تأخیر در اجرای حکم برای مدت معین صادر می‌گردد؛ اما تمدید آن تا روشن شدن نتیجه نهایی اعتراض بلا مانع است [۱۲]

۴- اعاده‌ی دادرسی

اعاده‌ی دادرسی یکی از طرق فوق العاده‌ی شکایت از آراء است و تنها نسبت به موارد محدودی که در قانون پیش بینی شده است [۱۳] قابل طرح می‌باشد.

با درخواست اعاده‌ی دادرسی در صورتی که قرار قبولی آن توسط دادگاه صادر کننده‌ی رأی صادر گردد؛ چنانچه محکوم به غیر مالی باشد، اجرای حکم متوقف خواهد گشت؛ اما اگر محکوم به مالی باشد، محکوم‌له باید تأمین مناسب بدهد تا اجرای حکم ادامه یابد و اگر تأمین ندهد، اجرای حکم متوقف می‌گردد.

۵- ابراز رسید محکوم‌له دائر به وصول محکوم به

اگر محکوم علیه رسیدی از محکوم‌له ارائه نماید که که حاکی از وصول محکوم به باشد، عملیات اجرایی متوقف می‌گردد [۱۴] لازم به ذکر است که مطابق نظریه‌ی اداره‌ی حقوقی دادگستری در این زمینه، رسید ابرازی محکوم علیه باید مورد تأیید محکوم‌له نیز قرار گرفته باشد. [۱۵]

۶- رضایت کتبی محکوم‌له

در صورتی که محکوم‌له به صورت کتبی از دایره‌ی اجرا تقاضای تعطیلی یا توقف عملیات اجرایی را درخواست کند، اقدامات اجرایی ادامه نخواهد یافت. [۱۶]

۷- تجدید نظر خواهی

به طور کلی تجدید نظر خواهی مانع از اجرای حکم می‌گردد، اما در مواردی که از رأی صادره تجدید نظر خواهی صورت پذیرفته و پس از شروع عملیات اجرایی، تجدید نظر خواه با ارائه‌ی دلایل عذر موجه خود اقدام به تجدید نظر خواهی از حکم صادره می‌نماید، با صدور قرار قبولی دادخواست تجدید نظر خواهی با توسل به ماده‌ی ۳۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی باید گفت که حکم تجدید نظر خواسته قابلیت اجرا را ندارد و در نتیجه احکامی که اقدامات اجرایی آنها آغاز گشته نیز متوقف خواهند گردید. [۱۷]

۸- درخواست رفع اختلاف استنباط طرفین از مفاد حکم

در مرحله‌ی اجرای احکام این احتمال وجود دارد که طرفین دادرسی استنباط متفاوتی از مفاد حکم صادره داشته باشند، رفع چنین اختلافی به عهده‌ی دادگاه خواهد بود.

رسیدگی به اختلاف طرفین در مفاد حکم علی‌الاصول تأثیری در به تعویق انداختن اجرا نخواهد داشت؛ مگر این که دادگاه، نوع رسیدگی را در اجرا مؤثر تشخیص دهد که در این صورت اجرا را متوقف خواهد نمود. [۱۸]

۹- فوت یا حجر محکوم علیه در زمان اجرای حکم

هر گاه پس از ابلاغ اجراییه، محکوم علیه فوت کند یا محجور گردد؛ حسب مورد تا زمانی که ورثه، ولی، وصی یا قیم محجور معرفی گردند، موقتاً عملیات اجرایی متوقف می‌گردد. [۱۹]

منابع:

[۱] حسینی، سید محمد؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی □ عربی به فارسی - همراه با معادل انگلیسی، تهران، سروش، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ص ۱۰۴/

[۲] معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ نوزدهم، جلد اول، ص ۱۱۶۹/

[۳] جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، چاپ چهارم، جلد دوم، ص ۱۴۶۲/

[۴] همان.

[۵] تبصره‌ی ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی: قرار قبول دادخواست وخواهی مانع اجرای حکم خواهد بود.

[۶] ماده‌ی ۳۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی.

[۷] ماده‌ی ۳۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی.

[۸] متین دفتری، احمد؛ آیین دادرسی مدنی و بارزگانی، تصحیح و مقابله: محمود طاق دره - نقی قهرمانپور، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱، جلد دوم، ص ۱۴۸/

[۹] ماده‌ی ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی.

[۱۰] قسمت اخیر ماده‌ی ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده‌ی ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی.

[۱۱] شمس، عبدالله؛ آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، زمستان ۱۳۸۳، چاپ ششم، جلد دوم، ص ۵۲۱/

[۱۲] همان

[۱۳] جهات اعاده‌ی دادرسی در ماده‌ی ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است.

[۱۴] ماده‌ی ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی:

نکته:

دادورز (مأمور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تأخیر اندازد مگر با ابراز رسید محکوم‌له دأثر به وصول محکوم به یا

[۱۵] مهاجری، علی؛ پیشین □ ص ۱۱۳

[۱۶] ماده‌ی ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی: دادورز (مأمور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تأخیر اندازد مگر با رضایت کتبی محکوم‌له در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجراء.

[۱۷] مهاجری، علی؛ شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، تهران، انتشارات فکر سازان، ۱۳۸۸، چاپ چهارم، جلد اول، ص/۱۰۷

[۱۸] همان. ص ۱۱۰

[۱۹] ماده‌ی ۳۱ قانون اجرای احکام مدنی: هر گاه محکوم‌علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌گردد و قسمت اجرا به محکوم‌له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید.

منبع: حقوق گستر